

جمال هنری قرآن

حجت الاسلام دکتر سیدعلی محمد یثربی*

استادیار دانشکده حقوق، پردیس قم، دانشگاه تهران، قم، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۴/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۰/۱)

چکیده:

یکی از ابعاد معجزه جاودان حضرت ختمی مرتبت و خصائص بارز آن تصاویر هنرمندانه ای است که برای بیان مقاصد عالیه هدایت انسان با نظم ویژه ترسیم شده اند. واژه های قرآن چون آویز چراغ با خاصیت منشوری دارای وجوه متعدّدند ظاهر آن زیبا و باطن آن عمیق و ژرف است که در هر ژرفای آن ژرفی دیگر است. تلاوت آن احساسات را بسیج، عقل را برانگیخته و خیال را در خدمت بیان واقع قرار می دهد این مقاله کوششی است متواضعانه با اعتراف به عجز نسبت به ارائه و معرفی این نقش سازنده و یگانه و پرده افکنی از یکی از زوایای زیبای جمال بی بدیل کلام خداوند جمیل. عناوینی که مؤید این هدف است با استناد به منابع معتبر و متخصصین فن مورد به مورد تحقیق و عرضه شده است موضوعاتی همچون نظم آهنگی بیرونی و درونی، تناسب معنوی، نکته پردازی ها و ظرافت کاری ها، وجه و نوع اعجاز، تضمین الهی سلامت، نحوه ارائه محتوی پیام، حروف رمز گونه مقطعه، نزول قرآن با هفت حرف، قرآن کلام خداوند تحقیق شده و شواهد تصویر هنری مطالب همچون جامه حسی بر معانی ذهنی و تصویر حالات روحی و تصویر مناظر طبیعی و صحنه های رستاخیز و داستان های واقعی ارائه گشته و با نتیجه نهایی اثبات تصویر هنری و فطری مطالب در قرآن خاتمه می یابد.

واژه های کلیدی:

قرآن، اعجاز، هنر، فصاحت، بلاغت، تصویر.

مقدمه

ان احسن الحديث و ابلغ موعظه المتقين
 كتاب... العزيز الحكيم
 (على عليه السلام)
 دریای سخن ها سخن خوب خداست
 پرگوهر و باقیمت و پر لؤلؤ لالا

فیضان و حیانی که جوهر اعتقاد را در چارچوب عالم هستی و امور وجدانی ارائه می دهد و احساسات را بسیج و عقل را برانگیخته و خیال را تحریک می نماید، این همه نقش سازنده و یگانه این کتاب نازله در لیلۃ القدر وجود را در عرصه های گوناگون حیات هویدا می سازد. در این مجال برآنیم به قدر وسع طی عناوینی به این مهم بپردازیم و آنگاه با ذکر شواهدی جواهر کلمات را پردازش نموده تا به نتیجه مطلوب برسیم.

تعبیرات زیبا، تصاویر فنی و نافذ آیات قرآن، این کتاب فطرت انسان، با تصویر هنری ویژه ای که در نظر مجسم می سازد و تأثیر شگرفی که در روح می گذارد اهالی هنر و صاحبان احساسات فوق العاده و لطیف را سزد که به زوایای زیبای آن بپردازند تا از این منظر معجزه جاودان برگزیده اشرف مخلوقات مهجور نماند و نسل نو عصر ما از این لطایف اولیایی محروم نگردند. قدرت بیان و نمایش و سجع درونی و زیبایی همراه با

۱- طرح مسئله

آیا اعجاز قرآن منحصر به فصاحت و بلاغت لفظی و معهود است یا علاوه بر آن واجد نوعی تناسب معنوی و تصویرسازی گویا و زنده، مناسب برانگیختگی احساسی و عقلانی و فطری انسان جهت هدایت او نیز می باشد همانطور که در مقدمه آمد این مقاله پاسخی در حد و وسع برای این مسئله است.

۲- تصویر هنری

تصویر هنری در قرآن تصویری است آمیخته با رنگ و جنبش و زنگ کلمات و نغمه عبارات و سجع جملات به گونه ای که دیده و گوش و حس و خیال و هوش و عقل و وجدان را از خود آکنده می سازد این تصویر از رنگ های مجرد و خطوط بی روح انتزاع نشده بلکه تصویری است گویا و زنده که ابعاد و مسافتات از راه مشاعرو وجدانیات در آن اندازه گیری می شود و معانی بدین صورت یا از طریق مناظری از طبیعت که خلعت حیات بر تن پوشیده اند در نفوس آدمیان اثر می گذارد (فولادوند، ۱۳۶۷، ۴۶).

۳- شواهد تصویری

شواهد تصویری را طی هفت عنوان ارائه می کنیم، سپس به سایر موضوعات مربوطه می پردازیم. عمده این بخش از کتاب آفرینش هنری در قرآن برگردان و نگارش آقای دکتر فولادوند از کتاب التصوير الفنی فی القرآن برداشت شده است.

۱/۳- جامه حسی معانی ذهنی

کسانی که نشانه های ما را تکذیب کردند و بدان استکبار ورزیدند درهای آسمان بروی آنها گشوده نخواهد شد و داخل بهشت نمی شوند تا وقتی که طناب ضخیم در سوراخ سوزن داخل شود (ترجمه آیه ۴۰ سوره اعراف).

ملاحظه می شود که مخاطب این آیه شریفه صورتی از آسمان برای خود ترسیم و تصویری دیگر از داخل شدن ریسمان قطور در سوراخ سوزن برای خود رسم می کند و بی آنکه بخواهد به طور شتابزده از راه ذهن مبادرت به دریافت یک معنای تجریدی کند از راه چشم و احساس در نهایت حوصله و آرامش معنای عدم قبول و عدم امکان تا اعماق جان تو حضور می کند.

"داستان کسانی که به غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند مثل عنکبوت است که (با آب دهان خود) برای خود خانه ای ساخته و در حقیقت سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است! ای کاش می دانستند!" (ترجمه آیه ۴۰ سوره عنکبوت).

خداوند چون می خواهد ناتوانی خدایان دروغین و پوچی و سستی این حمایت کنندگان موهوم را مجسم سازد تصویر بدینگونه ارائه می دهد آری این گروه عنکبوتانی سست و ناتوانند که بهره از این خدایان دروغین طلب کمک می کنند چون کسی که خود را در پناه خانه ای چون خانه عنکبوت قرار دهد یا بلکه سستتر و ای کاش می دانستند. "هر کس به خدا شرک آورد بدان ماند که از آسمان فرو افتد و مرغان (شکاری) او را دریابند یا باد او را به جای دور فرو اندازد" (ترجمه آیه ۳۱ سوره حج).

در تصویر فوق چشم اندازی از طوفان نوح را در برابر مخاطب نشان می دهد در لحظه ای حساس و انسانی، عاطفه پدری در نوح بیدار می شود و فرزندى که ایمان نیاورده و در این فرض در زمره غرق شدگان خواهد شد با تضرع او را دعوت به کشتی نجات می کند فرزند جوان عاصی چاره رهایی را به گونه ای خاص و انحرافی می بیند باز غریزه پدری دو مرتبه هشدار خود را به شیوه ای دیگر تکرار می کند اما صحنه نمایش دگرگون می شود و موج سرکش همه چیز را بر سر راه خود فرو می بلعد. شنونده در این لحظات کوتاه نفس های خود را در سینه نگاه می دارد: سفینه ای که موج ها را در هم می شکند و تنها وسیله نجات است و پدری که در آخرین فرصت می کوشد تا فرزند خود را از چنگ طبیعت بی شعور و مرده و امواج سنگدل برهاند و جوانکی که به غرور خویش می نازد و زندگی خود را بر سر این کار می بازد طوفانی در دل آدمی - چه پدر و چه پسر - برپاست که گوئی آئینه تمام نمای طوفان طبیعت بیجان است که شهر و دیار را در خود فرو می بلعد.

۳/۴- مناظر رستاخیز

"ای مردم! از پروردگار خود بترسید چرا که زلزله ساعت امری هولناکی است روزی که می بیند هر شیردهی آنکه شیر دهد فرو گذارد و هر آبستنی وضع حمل می کند و مردم را مست پنداری ولی مست نیستند لیکن این عذاب خداست که شدید است" (ترجمه آیه ۲ و ۱ سوره حج). هول و هراس موصور فوق قابل اندازه گیری نیست و مانند هراس کیفی باید آن را در درون خود دریافت عظمت چنین روزی هولناکی را فقط قرآن می تواند با افسون کلمات و ترکیب و تلفیق خاص خود القاء کند و هر ترجمه کلمه به کلمه نیز چون خالی از آهنگ ویژه کتاب خداست اثر اعجاز آمیز متن اصلی را ندارد آنچه بیشتر جلب نظر می کند تصاویر سه گانه مادران شیرده و زنان آبستن است که از بیم بچه می اندازند و حالت مست گونه مردم است که از ترس عذاب مست به نظر می آیند. "آنان که متقی و خداترس بودند مقام امن و امان یافته اند در باغها و کنار چشمه ها و نهرا آریده اند. لباس از سندس و استبرق بیاراسته روبروی هم بر تخت ها تکیه زده اند و همچنین با حوریان هم زوج قرار دادیم از هر نوع میوه ای که بخواهند بر آن حاضر و از هر درد و رنج و زحمت ایمن و آسوده اند و جز آن مرگ اول دیگر هیچ طعم مرگ را نمی چشند و خدا آنها را از عذاب دوزخ محفوظ خواهد داشت این به فضل و رحمت خدای تست و همین به حقیقت در جهان سعادت و پیروزی بزرگ است" (ترجمه آیات ۵۷ - ۵۰ سوره دخان).

در کنار صحنه های جحیم و اهل آن فضاهاى بهشت و اهل آن ترسیم می شود. همه در لباس فاخر هنری عرضه شده اند مخاطب آنها را در واقع می بیند و این اعجاز از برکت شخصیت دادن به آفریده ها و قدرت بیان حاصل می شود و فراموش نکنیم که نقش انگیزی و هنرریزی قرآن شریف تنها و تنها با همین کلمات عادی است.

۳/۵- تصویر طبیعت

خداست آنکه باها را می فرستد و ابری بر می انگیزد و در آسمان همانگونه که خواهد آنرا می گستراند و انبوهش می گرداند و از خلال

قرآن در این آیه بی ریشه بودن و عدم استقرار و دست و پا زدن مذبحانه و زشت مشرک را می نماید به سرعت به زمین می افتد و هنوز پایش به خاک نرسیده لاشخوران او را قطعه قطعه می کنند و می برند یا به سوی دره ای عمیق و جایی مجهول فرود می آید.

۳/۲- تصویر حالات روحی

"ای رسول ما بخوان برای این مردم حکایت آن کس را که آیات خود را به او عطا کردیم از آن آیات به عصیان سرپیچید چنانچه شیطان او را تعقیب کرد و از گمراهان عالم گردید اگر ما (به مشیت نافذ خود) می خواستیم با آن آیات او را رفعت مقام می بخشیدیم لیکن او به زمین (تن) فرو ماند و پیر و هوای نفس گردید در این صورت مثل او و حکایت او به سگی ماند که اگر از او تعقیب کنی و یا او را به حال خود واگذاری بوعو زبان کشد ای رسول ما این است مثل مردی که آیات خود را بعد از علم به آن تکذیب کردند این حکایات را به خلق بگو باشد که به فکر آیند" (ترجمه آیه ۱۷۶ سوره اعراف).

در تصویر فوق تأمل کنید در این تصویر هم تحقیر نهفته است و هم ناپاک شمردن شخص مورد گفتگو ولی در هر حال راهنمایی الهی با نقش انگیزی هنری بصورتی نغز و پرحرکت و به گونه ای نیرومند در هم آمیخته است تا حال کسانی که خدا موجبات معرفت را در اختیارشان قرار داده و مشمول رحمت خویش قرار داده ولی حق آنها را ادا نمی کنند و به زمین مادیات می چسبند هویدا گردد.

و همگان به ریسمان خدا درآویزید و پراکنده مشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس دل های شما را به هم پیوند زد تا از برکت لطفش برادران هم شدید و بر کنار حرفه ای از آتش بودید و شما را از خطر افتادن در آن رهانید (آیه ۱۰۳ سوره آل عمران).

اگر نگارگری قادر بود با الوان سحرآمیز و کلک چیره خود منظره فوق را در قالب خط و رنگ در آورد شاهکاری از نقاشی به شمار می رفت ولی قرآن تنها با تعدادی کلمه این فکر را در ما القاء می کند. هنگامی که آنها را بر لبه پرتگاه آتش برای مخاطب مجسم می کند به ناگاه فاصله ای میان آنها در زندگی کفرآمیز با حیات سرمد جدید قرار می دهد و فضل خود را بر آنان آشکار می گرداند و نقش اکسیر ایمان را در این قلب ماهیت عیان می نماید زیرا:

از عالم کفر تا یقین یک نفس است

۳/۳- تصویر ماجرای واقعی

و دستور داد که شما مؤمنان به کشتی درآیید تا به نام خدا کشتی هم روان شود و هم به ساحل نجات رسد که خدای من البته صاحب رحمت و مغفرت است، و آن کشتی به دریا با موجی مانند کوه در گردش بود که در آن حال نوح فرزندش را ندا کرد که ای پسر تو هم در این کشتی درآی و با کافران همراه مباش آن پسر پاسخ داد به زودی به کوهی پناه جویم که مرا از آب ننگه دارد نوح گفت ای پسر امروز هیچکس را از قهر خدا جز به لطف او نجات نیست این بگفت و موج میان آنها جدایی افکند و پسر به دریا غرق شد (ترجمه آیات ۴۲ و ۴۱ و ۴۰ سوره هود).

محسوس به گلو می رسد. "فلولا بلغت الروح الحلقوم" و سوره انبیاء در آیه ۱۸ گویی حق به سان بمبی است که بر باطل اصابت می کند "بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه" و سوره احزاب در آیه ۲۶ گویی ترس همچون بمب بر دل فرو می افتد "و قذف فی قلوبهم الرعب" و در سوره توبه آیه ۲۶ آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان نازل می شود "ثم انزل سکینه علی رسوله و علی المؤمنین" و در سوره اسراء در آیه ۲۴ تواضع و فروتنی دارای بال می باشد "و اخفص لهما جناح الذل من الرحمه".

۴- نظم آهنگی بیرونی

یکی از مهم ترین جنبه های اعجاز بیانی قرآن نظم آهنگ و آژگانی آن است. نوای زیبایی قرآن برای هر شنونده ای هر چند غیر عرب محسوس است اگر کسی برای چند بار به یک شعر گوش می سپارد لحن و آهنگ آن برای او تکراری و ملال آور می شود اما به هنگام نیوشیدن آوای گوناگون و هر دم تجدید شونده قرآن که اسباب و اوتاد و فواصل آن پی در پی جای خود را عوض می کنند و هر کدام گوشه ای از قلب را به نوازش و می دارند، نه تنها آزرده نمی شود بل عطرش بر شنیدن همواره فزونی می گیرد (معرفت، ۱۳۷۸، ۳۸۱).

وقتی آدمی می بیند که از مخارج حروف سخت جوش چنین گوهرهای تابناکی با این ترتیب حروف و چنان آذین بندی شکل می گیرد التذاتی بی حساب و وجدی بی انتها به او دست می دهد در این حروف گویی یکی می نوازد، دیگری طنین انداز سومین نجواگراست، چهارمین بانک برآورده، پنجمین نفر نفس را می لغزاند و ششمی راه نفس را می بندد و شما زیبایی آهنگ را در دسترس خود می یابید (بزاز - النبا العظیم، ۱۳۸۹، ۹۹-۹۴).

تنوع در سبک و لحن حروف و عبارات در معماری قرآن بافت بی نظیری است که نه پیش و نه پس از آن بوده و نخواهد بود تمام این امور در کمال سادگی به وقوع پیوسته اند و اثری از ساختگی یا تکلف در آن مشهود نیست واژه ها بسیار روان جریان می یابند وارد قلب می شوند و پیش از دست به کار شدن عقل و تحلیل و تفکر و تأمل آن احساس مبهمی آدمی را به خشوع وامی دارد به طوری که بارسیدن سخن قرآن به گوش و تماس با قلب احساساتی را برمی انگیزد که ما تفسیری بر آن نداریم. این صفت به علاوه تمام صفات دیگر روی هم رفته از قرآن پدیده ای می سازد که تفسیر پذیر نیست و همانند هم ندارد (مصطفی محمود، بی تا، ۴۴۷-۴۴۵).

۵- نظم آهنگ درونی

موسیقی بیرونی دست آورد صنایعی مانند قافیه، سجع و تجزیه یا تقسیم سخن منظوم به مصراع های مساوی و اوزان به صور قراردادی است که همگی قالب های مجرد لفظی و پیوسته به شمار می آیند. اما نظم آهنگ درونی دست آورد صلابت تعبیر و ابهت ناشی از مغز و کنه آن است.

آن باران را همی بینی که جستن می کند و چون آن را به هر کس از بندگانش که خواهد رسانید بناگاه آنها شادمانی کنند! با آنکه پیش از این که بر ایشان فرو ریزد سخت نومید بودند پس به آثار رحمت بنگر تا (به بینی) چگونه زمین را پس از مرگ آن زنده می گرداند آری اوست که زنده ساز مردگان و اوست که به هر چیزی تواناست (ترجمه آیات ۵۰ - ۴۸ سوره روم). نقش نگارین از پس نقش نگارین دیگر نمایش داده می شود فرستادن باد، به حرکت در آمدن ابر، گسترش آن در آسمان، تراکم ابرها، ریزش باران از لابلای آنها فرود آمدن باران، شادی و بشارت مردم با دیدن باران، زنده شدن زمین مرده ...! این تصاویر پیاپی ابتدا روی حس و دیده و خیال و سپس آهسته آهسته، روی نفس اثر می گذارد و نتیجه گیری از تمام این پرده های دل انگیز که همان زنده شدن زمین مرده است به بهترین وجه صورت می گیرد و به نحوی حق مطلب ادا می شود که بشر غافل شاید به خود آید.

۳/۶- حس آمیزی

تصویر امور معقول و ذهنی به امور حسی و در آمیختن حس ها با هم از روش های بیانی قرآن در بیان مفاهیم است مثلاً تشبیه اعمال کافران به سراب در بیابان یا زمینی هموار است که تشنه ای آن را آب می پندارد و چون به آن می رسد چیزی نمی یابد. ترجمه آیه ۳۹ سوره نور را ملاحظه کنید:

"و آنان که کفر ورزیدند کردارشان مانند سرابی است در خشکزاری که پنداردش تشنه لب آبی تا گاهی که بیایدش نیابدش چیزی ...".
و یا تشبیه کردار کافران به خاکستری که در یک روز طوفانی در هوا پراکنده می شود. در آیه ۱۸ سوره ابراهیم:

"مثل آنانکه کفر ورزیدند به پروردگار خویش کردار ایشان مانند خاکستری است که بوزد بدان باد در روزی تند قادر نباشند از آنچه فراهم کرده اند بر چیزی این است آن گمراهی دور". یا مثل به حس در آوردن مفهوم عذاب به غلظت و سنگینی در آیه ۱۷ سوره ابراهیم "و من ورائه عذاب عظیم" یا آیه ۳۱ سوره حج که ترجمه آن می آید "... آنکه شرک ورزد به خدا پس گویا در افتاده است از آسمان تا بر بایدهش برنده یا به پراکندش به جایی دور".

۳/۷- عینیت بخشی

این اصطلاح به معنای بیان ماهیات، اندیشه ها عواطف به صورت عینی و در شکل نقاشی و تصویر و تشبیه های محسوس می باشد (یاسوف احمد، ۱۹۹۴ ص ۱۰۱) عینیت بخشی پاره ای از تصویرگری است که در حقیقت جلوه حسی بخشیدن به امر معنوی است. ابزار بکار گرفته شده در عینیت بخشیدن قرآن و آژگانی برگرفته از طبیعت جامد و طبیعت متحرک است (سیدی، ۱۳۸۵، ۲۳). سوره انعام در آیه ۳۱ "و هم یحملون اوزارهم علی ظهورهم" گناه به صورت بار سنگینی به عینیت در می آید. و سوره انعام در آیه ۱۶۴ "و لا تزر وازره وزر آخری" همین معنی مجسم است و سوره بقره در آیه ۲۰۸ صلح و آرامش و سلامت به سان پدیده ای عینیت می یابد که وارد آن می شوند "یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه" و سوره واقعه در آیه ۸۳ روح که از امور کاملاً مجرد در این عالم است در یک حرکت

لغزش‌ها و فرو افتادن در چرکی‌ها او را نگاه می‌دارد چه زیبا تشبیه و شیوا تعبیری است آری اینگونه ترسیم‌های فنی چشم‌گیر برتری قرآن را بر سایر تشبیهات عرب به خوبی ثابت می‌کند (ابن اثیر، ۱۳۷۹، ۱۳۳، ۱۳۵ و ۱۲۸ و ۱۲۶).

۸- وجه اعجاز

اعجاز قرآن باید در تمام سوره‌های قرآن دیده شود زیرا خداوند متعال مطالبه مثل یک سوره را نموده است پس وجه اعجاز اخبار به غیب تنها نیست چون در همه سوره‌ها اخبار به غیب نیست یا نمی‌توان گفت وجه اعجاز حکایات و داستان‌هایی است که از سابقین به ما رسیده است یا ارائه مسائل علمی است که بعداً کشف شده است. بنابراین وجه اعجاز قرآن باید چیزی باشد که در تمام سوره‌ها مشاهده شود و آن جز فصاحت و بلاغت و حسن اسلوب و جمال هنری قرآن نیست. آنچه را که ما اختیار کردیم که نظر قرآن شریف در تحدی و معارضه به مثل همان فصاحت و بلاغت و اسلوب خاص قرآن است شامل تمام سوره‌ها می‌باشد. بحث دیگر عدم اختلاف آیات است که می‌تواند نوعی اعجاز تلقی شود ملاحظه کنید آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنید که اگر از ناحیه غیر خدا بود حتماً در آن اختلاف زیادی می‌یافتید (ترجمه آیه ۸۲ سوره نساء). از آیه مذکور به خوبی پیدا است که اگر خوب در آیات تدبیر و تأمل شود خواهیم دید که هیچگونه اختلافی در آیات قرآنی نیست و اندک تفاوتی در سوره‌ها دیده نمی‌شود چه آیه‌ای که در توحید ذات و چه آیه‌ای که در توحید صفات نازل شده یا آیه‌ای که در اخلاق حسنه و نهی از بدی‌ها و کارهای زشت دیده می‌شود این اتحاد نسق و اسلوب و این اعجاز حیرت آور و فصاحت روشن مختص به قرآن مجید است چرا که بین اول و آخر و بین کلمات و آیات آن اختلافی نیست آنچه از بشر صادر می‌شود چه در خطبه‌ها و چه در مدح‌ها و ذم‌ها حتی در خطبه و شعر واحد این اختلافات دیده می‌شود زیرا قدرت بشر محدودست (میرمحمدی، ۱۳۷۵، ۲۰۲).

۹- نوع اعجاز قرآن

اعجاز یا خاصیت غیرقابل تقلید بودن از نظر لغوی به معنای تحدی یا دعوت به مبارزه منتهی به عجز طرف مقابل است. در یک کلمه "برنیامدنی" می‌توان آنرا معنا نمود چند صورت برای آن متصور است اول آن است که امری برخلاف نوامیس طبیعی و جریان عمومی واقع شود و مجرای سیر طبیعت را تغییر دهد و با هیچیک از نوامیس عالم انطباق نداشته باشد و تنها در نتیجه خواست خداوند که خالق و موجد طبیعت است این امر صورت وقوع به خود گیرد و خداوند از این راه رشته جریانات را از هم بگسلد و اساس نظامات عمومی را در هم شکند و آن را به دست یکی از فرستاده‌های خود ظاهر سازد و گواه صحت دعوی وی قرار دهد. قسم دوم آن است که صدور امری برخلاف جریان طبیعت نبوده و مخالفت با مقررات عمومی عالم نداشته بلکه وقوع آن معلول یکی از عوامل طبیعی که سر آن از نظر

قرآن نوعی معماری سخن است که موسیقی درونی را آشکار می‌سازد نظم آهنگ درونی رازی از رازهای معماری قرآن است و هیچ ساختار ادبی یارای برابری با آن را ندارد میان نظم آهنگ درونی قرآنی و شعر جاهلی یا شعر و نثر عصری هیچگونه شباهتی نیست و علیرغم تمام کینه تیزی‌های دشمنان که برای کاستن از شأن قرآن صورت گرفته در طول تاریخ حتی یک نمونه از تلاش‌های تقلیدی ثبت نشده است. در میان این همه هیاهو، عبارت‌های قرآن خصوصیات منحصر به فرد خود را دارند و چون پدیده‌های تفسیرناپذیر جلوه می‌کنند. یگانه توجیه باورمندان‌ای که می‌توان از آن برخوردار شد این است که: "قرآن سرچشمه‌ای دارد دور از دسترسی انسان" (مصطفی محمود، بی تا، ۱۹-۱۲).

۶- تناسب معنوی

حسن مطلع و حسن ختام در هر سوره از محسنات بدیعی قرآن است هر سوره با مقدمه‌ای ظریف آغاز می‌گردد و با خاتمه‌ای لطیف پایان می‌یابد ضرورت بلاغت اقتضاء می‌کند که سخن با ظرافت تمام به نحوی آغاز گردد که دارای اشاراتی به مقصود اصلی کلام داشته باشد یعنی ورزیدگی و هنرمندی در جلب نظر شنونده و خواننده در آغاز سخن که آنرا "براعت استهلال" گویند این معصوم ادیب توانای معروف گوید: "خواتیم السور کفواتحها واردۀ علی احسن وجوه البلاغه و اکملها مما یناسب الاختتام" پایانی سوره‌های مثل اوائل آنها به بهترین و کاملترین وجه مناسب اختتام وارد شده است (معرفت، ۱۳۷۸، ۴۰۹). آیا ممکن است مقدمه شیوا و خاتمه زیبا مقصود بس والا را در میان نداشته باشد؟ این که خداوند هر دسته از آیات را جدا از دسته دیگر قرار داده و نام سوره بر هر یک نهاده، شاهد بر این است که گونه‌ای از انسجام و پیوستگی در هر مجموعه وجود دارد که در قسمتی از یک مجموعه و یا میان هر سوره و سوره دیگر، آن پیوستگی خاص وجود ندارد از این رو در می‌یابیم که اهداف و مقاصد هر سوره برای بیان هدف و مقصد خاصی عرضه شده که پایان نمی‌یابد مگر با پایان یافتن آن هدف و رسیدن به آن مقصد (علامه طباطبائی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۱۴). قرآن همانگونه که از لحاظ فصاحت الفاظ و شرف و بلندی معراجی معجز است بر حسب ترتیب و نظم آیات آن نیز معجز است (فخر رازی، بی تا، ج ۷، ۱۱۷).

۷- نکته پردازی و ظرافت کاری

در قرآن انواع استعاره و تشبیه و کنایه و مجاز و نکته‌های بدیع فراوان به کار رفته است. این تشبیهات جامع و محاسن بدیع رساترین بیان در ارائه فن ترسیم معانی شناخته شده است به عنوان مثال تشبیه تاریکی شب به پوشش تن است که از جمله تشبیهات و ظرافت‌هایی است که قرآن به آن آراسته و در دیگر کلام عرب یافت نمی‌شود. یا اینکه همسران را همچون پوششی برای یکدیگر ترسیم نموده است همانطور که لباس زینت و حافظ انسان از سرما و گرما می‌باشد همسر زینت حیات و پوشش از زشتی هاست است و از

مسلمین است تضمین شده است اگر قرآن در لوح محفوظ را در سینه پیامبر و اوصیاء محفوظ باشد که بحثی ندارد هنر در حفاظت و حراست از قرآن موجود حاضر است که خداوند با چنین جلال و عظمت از حراست آن یاد می کند. "براستی که آن کتابی شکست ناپذیر است که هیچگونه باطلی نه از پیش رو نه از پشت سر بهسویش نمی آید چرا که از سوی خداوند حکیم و حمید نازل شده است" (ترجمه آیه ۲۴-۴۱ فصلت).

۱۱- محتوای پیام

وسعت و تنوع موضوع در قرآن منحصر به فرد است. به قول خود قرآن "هیچ چیز در این کتاب نادیده گرفته نشده است" قرآن از "یاخته حیات مستقر در تکه سنگی غنوده در اعماق دریاها" تا ستاره ای که "بر مدار خویش به سوی هدف معین خویش می جهد" حکایت می کند. تاریک ترین زوایای دل و روح بشر را می شکافد و با چنان تیزبینی در جان مؤمن و کافر به غور می پردازد که نامرئی ترین حرکات روح را کشف می کند به دورترین گذشته های انسانیت و آینده او متوجه می شود تا به انسان وظایف "حال" را بیاموزد. قرآن تابلویی گهرا و تأثرآور از درام ابدی تمدن ها نقش می زند که ما را برای پیشگیری از "خطاها" دعوت به مذاقه در آن می نماید تعلیمات اخلاقی قرآن منتج از بررسی عمیق روانی طبیعت انسان است که ما را از ضعف های این طبیعت که شرم آورند و تقوای آن از ورای شرح زندگانی پیامبران (ص) آگاه می سازد در واقع روح بشر در برابر وسعت و عمق قرآن حیران می ماند.

نبوغ بشر بر سطح کره زمین که همه چیز در آن مطیع زمان و مکان است در همین خد زمینی محدود می ماند ولی این کتاب آسمانی از مرز قلمرو این قانون فراتر می رود و نمی تواند در ابعاد کوچک نبوغ بشر بگنجد (مالک بن نبی، بی تا، ۲۳۸). و پیامبر جز یک عبد و رسول او جل و علا نیست که شایستگی دریافت وحی و ابلاغ آن به عالمان را یافته است.

۱۲- حروف مقطعه

سوره های متعددی در قرآن - ۲۹ سوره - به جای شروع با کلمات با رمزهای کوتاه الفبایی آغاز می گردند. در حالیکه در احادیث نبوی اثری از این علائم غیر قابل فهم وجود ندارد و هیچیک از روایات شفاهی منقول از پیامبر (ص) با چنین سرآغازهای رمزی مزین نشده اند. در طول ۱۴ قرن گذشته قرآن به عنوان کامل ترین نمونه ادبی زبان عرب شناخته شده است. هیچ چیز در قرآن ناجور و ناهماهنگ نیست نه آن نفخه باشکوه و عظیمی که از آغاز تا انجام آن به بلوغ رسیده نه عظمت شگفت انگیز هشدارهای آن نه دیدگاه ها و چشم اندازه های خیره کننده آن و نه اندیشه و تفکر همواره اوج گیرنده آن و نه بالاخره سبک نگارشی درخشان آن هرگز ناهماهنگ نمی گردد (حکمی، ۱۳۶۴، ۲۵۴). این حروف رموزیست بین خداوند سبحان و رسول اکرمش که علم آن از ما پوشیده و راهی به

بشر مستور است. بنابراین معجزه تنها امری خارق عادت می باشد هر چند به ظاهر مخالف نوامیس طبیعی به نظر رسد. حقیقت آن است که جریان نوامیس طبیعی به قدری مرموز و در هم پیچیده است که راهی برای تشخیص آنکه امری مخالف یا موافق طبیعت است جز برای خالق طبیعت که اطلاع به همه اسرار آن دارد امکان پذیر نمی باشد چون معلومات بشر در مقابل مجهولات وی کوچک و ناچیز به شمار می آید. قسم سوم از معانی اعجاز رسیدن به سرحد کمال در علمی است که برای افراد بشر رسیدن به یک پایه آن و یا تکمیل درجاتی از آن در معرض امکان و وقوع است ولی رسیدن به آخرین حد آن جز برای خداوند امکان پذیر نیست. در نظم قرآن قواعدی نحوی و صرفی و لغوی به کامل ترین وجه منظور گشته چنانکه رسومی که از طرز محاوره و ترتیب و روشنی سخن نزد عرب معمول است به نیکوترین وجه ملحوظ گردیده است. این معنا خود یکی از ممیزات قرآن از نظر اعجاز نسبت به دیگر معجزاتی است که از پیامبران پیشین صادر گردیده است. امتیاز قرآن آن است که دعوی و مدعی یکی است و قرآن در عین اینکه شاهد بر پیامبری است پیامبر نیز هست. قرآن از جنس سهل ترین اعمال بشر یعنی تکلم است نبوغ در امور سهل و ساده که در اختیار هر کس می باشد بیشتر در خور اهمیت است قرآن مرکب از حروف هجا که عموم کلمات مرکب از آنهاست تشکیل شده است با این وصف بطوری است که عموم نوابع فن در برابر او خاضع می باشند. قرآن معجزه ایست جاودان و در هر دوره می توان برای صحت نبوت بدو استدلال نمود برخلاف معجزات دیگر که می بایست وجود آن ها بوسیله تاریخ ثابت شود در حالی که قرآن در نتیجه مرور زمان عظمت و اهمیت بیشتری به واسطه عدم توانایی اهل هر دوره به معارضه با آن پیدا می کند (ابن الدین، ۱۳۳۹، ۱۱ مقدمه).

۱۰- تضمین الهی سلامت

اعجاز قرآن مسئله تحریف را بطور کلی رد می کند زیرا لازمه افزودن امکان هم آوردی با قرآن است همینگونه احتمال تبدیل کلمات را نفی می کند زیرا هر گونه تبدیل و تغییر در نظم و جمله بندی کلمات قرآن موجب می شود که صورت قرآن تبدیل یافته و از صورت وحی خارج شود. چنانکه کم نمودن از قرآن با اعتقاد به اعجاز مخالف است زیرا تحقق چنین تخیل و توهمی موجب می گردد تا نظم اولی کلام بر هم خورده و دیگر نتواند همان سبک و اسلوب بلاغی و یگانه اول باشد. از دلایل سلامت قرآن و عدم تغییر آن در طول تاریخ روایاتی است که از رسول خدا (ص) نقل شده که فما وافق کتاب... فخذوه و ما مخالف کتاب... فدعوه (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ۶۹). هر چه از احادیث با قرآن موافق باشد آن برگزینید و هر چه با آن مخالف باشد واگذارید آری قرآن بایستی همواره سلامت باشد تا اعتبار خویش را بعنوان معیار سنجش حق و باطل حفظ نماید. روشن ترین دلیل سلامت قرآن ورد شبهه تحریف ضمانتی است که خداوند متعال عهده دار شده است تا قرآن را پیوسته مورد عنایت خود قرار دهد و از گزند آفات مصون دارد. گفتنی است همین قرآن که در دست

است در آنجا که می گویند کلام فلانی دو پهلو است یعنی دو احتمال دارد که نسبت به هم مساوی و هیچیک از احتمال ها بر دیگری ترجیحی ندارد (میرمحمدی، ۱۳۷۵، ۶۷) برخی از دانشمندان گفته اند که وجه حکمت وجود متشابه در قرآن این است که عقول بشر در فهم آنها تحریک و بکار انداخته شود زیرا کلماتی که فهم آنها سهل و ساده است موجب تنبلی این نیروی با ارزش می شود (عبده، مجله الهادی، سال ۵، ش ۳، ۳۳) یا اینکه بگوییم ممکن است فلسفه دیگری داشته باشد که عقل ما از درک آن قاصر است.

۱۴- قرآن کلام خدا

الفاظ قرآن مجید و ترتیب آن از خداوند متعال است نه از رسول اکرم (ص) و نه از جبرئیل امین ادله ای از قرآن و احادیث حاکی از این مطلب است. ۱- آیاتی که دلالت بر اینکه قرآن کریم را خداوند متعال نازل کرده است و معلوم است که قرآن، اسم معانی و الفاظ مخصوصی است به همین جهت اگر کسی ترجمه قرآن را قرائت کند نمی گویند که قرآن خوانده است. از آیات مذکور آیه ۲۴ سوره انسان است که ترجمه می شود "محققاً ما این قرآن را بر تو فرو فرستادیم، فرستادنی".

۲- گروهی از آیات قرآن که صراحت دارند در اینکه "کتاب از ناحیه خداوند است" مثل آیه ۱۵ سوره مائده که ترجمه آن می آید: "همانا برای شما از جانب خدا نور و کتابی بس آشکار آمد".

گروهی از آیات قرآن که دلالت دارند بر این که قرآن شریف قبل از آنکه به دست پیامبر (ص) برسد قابلیت تلفظ داشته تا مفهوم قرائت بر رسول خدا توسط جبرئیل صادق باشد چون قرائت چیزی نیست جز تلفظ به حروف و کلمات.

از این گروه آیات آیه اول سوره علق است با این ترجمه که: ای پیامبر قرآن را با نام پروردگارت قرائت کن که آفرید.

در واقع کار رسول اکرم (ص) انشاد قرآن است نه انشاء آن بنابراین الفاظ قرآن از خداوند است همانطور که معانی آن از او است (میرمحمدی، ۱۳۷۵، ۴۲).

روایاتی نیز بر همین مطلب اشعار دارد از عیاشی نقل شده است که زراره می گوید: از امام محمد باقر (ع) درباره قرآن سؤال نمودم. فرمودند: "قرآن نه خالق است و نه مخلوق بلکه کلام خداوند است" (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۹۲، ۱۰۲). این حدیث شریف با صراحت دلالت دارد که قرآن کلام خداوند است چون کلام عبارت از الفاظ دارای معانی است. از طریق عامه نیز نقل شده است که فاطمه (س) از پیامبر (ص) نقل می کند که: جبرئیل در هر سال یک مرتبه قرآن را رسیدگی و مقابله می کرد ولی در این سال این کار را دو مرتبه انجام داده است و این نیست مگر اینکه اجل من نزدیک شده است (مسلم، ج ۶، ۱۰۱، باب کان جبرئیل یعارض القرآن علی النبی (ص)). از این حدیث نیز استفاده می شود که قرآن مجموعه ایست که یک نسخه آن در نزد جبرئیل است که با آن قرآن پیامبر (ص) را مقابله می کند و این معنی دلالت دارد که الفاظ قرآن همان است که در دست جبرئیل است در کتاب مجمع البحرین می نویسد: "معارضه کتاب" به معنای مقابله آن است با کتاب دیگر سپس می گوید: و روایت است که جبرئیل در هر سال یک مرتبه

آنها بر فهم های عادی نیست (علامه طباطبائی، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ۶). از جمله متشابهات قرآن همین حروف اوائل سوره هاست و مختار ما این است که اینها از اسرار خداوندی است و جز خداوند کسی به تأویل و مفهوم آن آگاه نیست (سیوطی، بی تا، ج ۲، ۸). بالاخره قول به اینکه این حروف از متشابهات است متعین و سزاوار قبول است. (میرمحمدی، ۱۳۷۵، ص ۵۶) رمز گونه ای این حروف نیز احساس خاصی در مخاطب ایجاد و چون لا محاله جزء قرآن است همان آثار قرائت قرآن را در دنیا و آخرت داراست.

۱۳- نزول قرآن با هفت حرف

از جمله ابعدی که حاکی از جمال هنری و بدیع قرآن است احادیث و روایاتی است که بر نزول قرآن بر ۷ حرف وارد شده است در مراد از نزول بر هفت حرف اختلاف شده است بعضی گفته اند که مراد از آن ۷ لغت است که مغیر احکام نباشد بعضی دیگر مراد از آن را بیان لغت های فصیح عرب دانسته اند و جمعی منظور از ۷ حرف را زجر امر حلال حرام محکم متشابه و مثل ها برشمرده اند. از مسلمات دین اسلام آن است که در اینگونه موارد باید از ائمه طاهرین (ع) متابعت نمود چرا که به قول علامه شرف الدین اخبار صحیح متواتر بر وجوب تمسک به ثقلین (کتاب خدا و عترت) دلالت دارد (شرف الدین، بی تا، ج ۸، ۱۹). علامه مجلسی با سند خود از حماد بن عثمان نقل می کند که به امام صادق (ع) عرض کردم احادیث شما برای ما مختلف نقل شده است فرمودند: قرآن با ۷ حرف نازل شده و کمترین حقی که برای امام است اینکه بر ۷ وجه فتوی دهد و این هدیه خداست و ما می توانیم آن را به مردم ببخشیم یا نبخشیم و امساک کنیم (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۹۲، ۸۳). و نیز روایتی از طریق زراره از امام باقر (ع) نقل می کند که امام علیه السلام فرمودند: قرآن با ۷ وجه تفسیر می شود بعضی از آنها واقع شده و بعضی دیگر هنوز واقع نشده و آنها را ائمه (ع) می فهمند و بس آنچه از این دو حدیث استفاده می شود این است که مراد از "حرف" همان وجوه و انواع معانی است که از کتاب خدا استفاده می شود و این وجوه و معانی ۷ وجه می باشد و این، در صورتی است که از کلمه سبعة (۷ حرف) معنای حقیقی آن مراد باشد و اما اگر کنایه از کثرت باشد مانند سبعین (۷۰) که کنایه از کثرت است پس باید گفت کلام خدا دارای معانی و تأویلات زیادی است که اهل بیت آنها را می دانند و بس و مؤید این معنا حدیثی است که در بحار الانوار از معلی بن خیس نقل شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی که دو نفر در آن اختلاف داشته باشند حل و ریشه اش در قرآن است ولی عقول مردم آنها را درک نمی کند (میرمحمدی، ۱۳۷۵، ۶۵). مخلص کلام اینکه مراد از ۷ حرف معانی متعددی است که در کلمات و آیات قرآنی است ولی به جز اندکی از آنها را مردم درک نمی کنند پس باید در آن موارد کثیره به راسخین در علم مراجعه شود. و ظاهراً در این موارد حرف را به معنای طرف و جانب ملاحظه کرده اند یعنی کلام قرآنی خداوند دارای جوانب و اطراف است که همه آنها از لفظ مورد احتمال است لیکن جز راسخین کسی نمی تواند آنها را درک کند و این، همان معنایی است که در زبان فارسی شایع

قرآن را مقابله می نمود جز سال وفات رسول خدا (ص) (میرمحمدی، ۱۳۷۵، ۴۳). آری وقتی که قاری قرآن بداند که قاری کلام خداست تأثیر قرائت در روح و احساسات معنوی و بعد روحانی وجودش صد چندان خواهد شد.

۱۵- تصویر در داستان

ارائه رخدادهای تاریخی عبرت آموز در قرآن شریف به نحوی است که گویی داستان در حال وقوع یافتن است یعنی مخاطب و قاری گویا در حال حاضر جریان نمایش مستند را مشاهده می کند تصویر در هر یک از صحنه ها به رنگی خاص جلوه گری می کند. گاهی شخصیتی را رقم می زند و زمانی خیال انگیز و محرک عواطف و گاهی واجد قدرت نمایش و حیاتبخش است به عنوان مثال داستان اصحاب کهف با موضع گیری خویش در برابر مشرکان با یکدیگر به مشورت می پردازند و سرانجام صلاح می بیند تا موقتاً در غاری پناه ببرند به امید آنکه خداوند متعال در کار آنها گشایشی ظاهر فرماید. صحنه دوم هنگامی است که منظره دهشت انگیز خفتگان و تابش آفتاب را بطور مایل بر روی بدن های خفته ایشان نشان می دهد واژگان قدرت توصیف رقم زدن این صحنه نیست در صحنه بعد آنها از خواب طولانی بیدار شده می بینیم اینک از مدت درنگ خود در آن غار، با یکدیگر جست و جو می کنند و از طرفی گرسنگی آنها را آزار می دهد تا سرانجام تصمیم می گیرند یکی از میان خود انتخاب کنند و به شهر گسیل دارند تا با کمال نرمش از پاکیزه ترین اغذیه فروشی ها برای آنها خوراکی تهیه کند. آخرین صحنه آنگاه است که مردمی که در این هنگام از کفر باز آمده و به خداوند گرویده اند از حال شگفت انگیز ایشان باخبر می شوند و بحث بر سر این است که آیا بر روی آن غار یک بنای "یاد بود" بر پا دارند یا مسجدی بنیان نهند. اما مردم پس از مرگ آنها باز درباره عدد آنها و مدت خواب آنها در آن غار با یکدیگر منازعه و گفتگو دارند ولی ای رسول ما بگو خداوند آگاه تر است که ایشان چند وقت در آن غار ماندند توجه دادن به توحید و خداوندگاری خدا و نتیجه گیری تربیتی و دینی، آنچه اهمیت دارد آفرینش هنری نمایش گویا و جاندار تمام این صحنه هاست. تصویر عواطف و انفعالات نفسانی بخش دیگر تصویرپردازی است. در داستان حضرت مریم و نحوه ولادت حضرت عیسی نیز صحنه ها به طور شگفت آمیزی ارائه می شوند. دوشیزه ای که در آغوش تقوی و دامان خاندانی پرهیزگار تربیت یافته است با صحنه ای روبرو می شود. من فرستاده پروردگار توام تا به تو پسری پاکیزه عطا کنم هول شدیدی او را فراگرفته می پرسد این چه کاری است و یعنی چه؟ کجا من می توانم فرزندی داشته باشم و حال آنکه دست یاری به دامان من نرسیده است سروش پاسخ می دهد اینگونه پروردگار تو فرمود این کار برای من آسان است تا آن را خارق عادتی برای مردم قرار دهیم! اینجا خلایی به چشم می خورد که آنرا باید به دست خیال سپرد زیرا پرده بر روی این صحنه فرو می افتد و مخاطب و قاری مریم را در درد شدید زایمان می بیند که او را به سوی خرمایی خشک برده و ناله می زند این هم هول و تکان دیگری است مریم عذراء نالان و ناامید در نهایت درد بر

خود می پیچد به ناگاه عیسی (ع) بانک در می دهد که درخت خرما را تکان بده تا بر سرت خرمای تر فرو ریزد و لطف خدا را نگر که از زیر پایت چشمه ای جوشیدن گرفت اما اگر آدمیزاده ای بر تو گذر کرد بگو من برای خدا مأمورم که زبان فرو بندم و با احدی سخن نگویم این هم هول دیگری و ضربه ناگهانی بزرگ گویی خوب مریم از شدت هیجان و تعجب بهت زده بر خود می لرزد تا پایان ماجرا و بر خورد مریم با خویشان و کسان او و لحن ملامت بار و نیشدار آنها درباره تولد عیسی و اشاره حضرت مریم به نوزاد در گهواره و به سخن آمدن او:

انی عبدا... الی آخر آیه (۳۰ سوره مریم)

و نتیجه گیری در آیه ۳۱ تمام عواطف انسانی در این ماجرا برانگیخته می شود و در جهت توحید و ولایت و تربیت هدایت می گردد. یکی از خصائص هنری داستان در قرآن این است که گاه یک نمایش از تابلوهای مختلف تشکیل شده است و خلأ حاصله از میان هر یک از این مجالس را قوه خیال پر می کند که اینکه با مراجعه به داستان حضرت یوسف سوره دوازدهم قرآن شریف ملاحظه می شود که این داستان از ۲۸ تابلو یا مجلس تشکیل شده است که مرتباً پرده ها عوض می شود و بر می افتد و تابلوی دیگری در معرض دید تماشاگر قرار می گیرد او در کودکی خواب می بیند که یازده ستاره با ماه و خورشید او را سجده می کنند و هشدار پدر به او که خوابش را برای برادرانش نقل نکند. در داستان حضرت ابراهیم (ع) که به آسمان چشم می دوزد. ولی می بیند که بزودی غروب می کند ماه را می نگرد ولی آن هم غروب می کند و سرانجام خورشید را می بیند که از همه آنها بزرگتر است چون خورشید هم افول می کند می گوید من افول کنندگان را دوست ندارم. لذا با اخلاص تمام روی دل به سوی خدای آسمان ها و زمین می کند و پس از تسلیم مطلق به یگانگی او قوم خویش را به توحید فرا می خواند و آنها را از بت پرستی منع می کند تا آخر داستان. یا در اشارات کوتاهی که به زندگی حضرت داوود و غلبه او بر جالوت می شود یا داستان حضرت سلیمان چون نوح و هود و صالح و شعیب علیه السلام و غیر آن می شود غرض عمده بیداری مردم و عبرت آموزی است.

و بالاخره می توان هدف از ارائه سرگذشت گذشتگان را در عناوین زیر خلاصه نمود:

۱- اثبات وحی و رسالت (یوسف / ۳)

۲- منبع الهی ادیان (انبیاء / ۵۰ - ۴۸)

۳- یگانگی دین و الوهیت واحد (اعراف / ۹۵)

۴- وحدت دعوت و یکسانی استقبال از انبیاء (هود / ۲۹ - ۲۵)

۵- منبع واحد تمام ادیان توحیدی و ابراهیمی (مائده / ۴۸ و اعلی / ۱۹)

۶- دلگرم نمودن پیامبر و یاران (عنکبوت / ۱۴)

۷- هشدار و بشارت (حجر / ۵۳ - ۴۰)

۸- بیان نعمت خداوند

۹- هشدار به فرزندان آدم و بر حذر بودن از اغوای شیطان

۱۰- بیان قدرت خداوند در امور خارق عادت نظیر خلق آدم و تولد حضرت عیسی و موضوع حضرت ابراهیم و داستان دو باغدار و ماجرای بنی اسرائیل پس از عصیان و اصحاب اخدود و سد مأرب و بالاخره قضاوت میان حکمت شتابزده انسانی و حکمت دوربین الهی در داستان حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام.

۱۶- بدایع در قرآن

علمی که بازشناسی آرایه های لفظی و معنوی همت می گمارد علم "بدایع" نام دارد که با عنوان مقاله نزدیک بلکه همسانی دارد. ابن ابی الاصبغ کتاب مستقلى در این باره تدوین نموده است که سیوطی در نوع پنجاه و هشتم کتاب "انتقان" به آن پرداخته است عناوینی مثل مجاز، استعاره، تشبیه، کنایه، ارداف، تمثیل، ایجاز، اتساع، اشاره، مساوات، بسط، تتمیم، تکمیل، توریه، استخدام، التفات، انسجام، تضمین، جناس، نزهت، مقارنه، حسن ابتداء، حسن ختام، حسن تخلص و استطراد که به یکی از آنها اشاره نموده طالبین به منابع مورد اشاره مراجعه کنند.

ایهام:

ایهام که توریه نیز نامیده می شود آن است که لفظی ذکر گردد که دو معنا داشته باشد یک معنای نزدیک و معنای دیگر دور باشد گوینده معنای دور را با معنای نزدیک ببوشاند.

زمخشری گفته است: "در حق بیان بالی دقیق تر و لطیف تر از توریه نمی یابی و نیز سودمندتر و یاری کننده تر از آن برای تاویل متشابهات کلام خدا و رسول نمی باشد و از مثال های آن الرحمن علی العرش استوی (طه/۵) می باشد که استواء دو معنی دارد یکی قرار گرفتن در مکان که معنای نزدیک آن است که با آن توریه انجام شده و مقصود نیست چون خداوند تعالی از آن منزله و میری است. دوم: تسلط و ملک و حکومت می باشد که معنای دور و مقصود است که با معنای نزدیک یاد شده این معنای مورد نظر پوشانده شده است".

۱۷- قرآن کتاب جاودانی

خداوند متعال در تنظیم حروف و کلمات و جملات قرآن همان دقتی که در تألیف مجموع عالم کون و خلقت انسان بکار برده در وی نیز اعمال نموده است و فصحا و علمای ادب همچون پزشکان متخصص در بافت ها و سلول های بدن انسان گر چه از همه اسرار آن آگاه نیستند لیکن به نظم و انسجام شگفت انگیز معترفند. ایشان نیز در شناختن مواضع حروف و جمل و کلمات آگاهی دارند بدون آنکه به اسرار واقعی ترکیب آن پی ببرند با این تفاوت که در بخشی از علوم و صنایع در نتیجه مرور ایام و ناموس نشوء و ارتقاء و پیشرفت در آن تصرفاتی رخ داده یا اساس آنرا متزلزل ساخته است ولی به هیچ وجه دست تطاول روزگار در قرآن تغییری نداده و در هیچیک از الفاظ و معانی آن مورد نقصی پدید نیآورده و عقول بشری بر آن برتری نیافته بلکه به معارف و حقایق بیشتری دست یافته است و این خود بهترین وجه اعجاز آن می باشد.

مجموع آن با همه اختلافات در مقامات از یک سنخ و بر یک نسق در فصاحت و رونق کلام می باشد. نظام قرآن همچون نظام تکوینی که هر موجودی برای غرض ایجاد شده است هر حرف و کلمه ای برای معنایی ترکیب گشته که اگر بخواهند بجای آن کلمه دیگری بگذارند محال است چیزی جایگزین آن بشود و به قامت آن معنی که در قرآن

ذکر شده راست و درست درآید حرکتی که در جای دیگر دارای ثقل می باشد به نحوی در قرآن به کار رفته که دارای نهایت لطافت است.

ترجمه قرآن حتی به زبان عربی دارای طراوت کلام الهی نیست و به خوبی واضح می شود که از صنع انسانی است مقایسه بین قرآن و دیگر سخن ها چون مقایسه بین امور تأسیسی و تقلیدی است مهمترین خصیصه قرآن دقت نظر در حقیقت معنی و ارتباط فطری آن با نفس انسانی و طبقه بندی معانی و تطبیق با درجات افکار و ارتباط آن با سیاق الفاظ دیگر و نیز دقت نظر در حروف و کلمات و اصوات و الحان و تناسب آنها با یکدیگر و انتخاب الفاظ با توجه به وجوه و همچنین نظر در روابط الفاظ و معانی و حروف و صیغ و تناسب آن با موسیقی و موقعیت آن در دلالت وضعی و بلاغت است. انسان هر چه به اعلی درجه نبوغ رسد نمی تواند سخن خویش را به استحکام آیات قرآنی که مبتنی بر وحی و مصنوع الهی است و از جنس مصنوعات بشری نیست آنطور که باید برساند فصحای عرب به اینکه این روش از راه بلاغت فنی و ادبی نیست و تنها از راه وحی ممکن است معترف گردیده اند.

هنگامی که قریش در موسم حج گرد آمدند ولید بن مغیره گفت در این موقع که طوائف عرب یکجا مجتمع اند سخنی درباره محمد (ص) فکر کنید که همگی متفق بر آن باشید گفتند او را کاهن نامیم گفت او کاهن نیست و دارای زمزمه و سجع کاهنان نمی باشد گفتند می گوئیم مجنون است گفت او مجنون نیست و دارای وسوسه مجانین نمی باشد گفتند می گوئیم شاعر است گفت او شاعر نیست ما انواع شعر را می شناسیم و کلمات او از این قبیل نیست گفتند که می گوئیم ساحر است گفت او دارای اعمال ساحران نیست تنها می توان او را ساحر نامید از این جهت میان خویشان به واسطه اسلام جدایی می افکند و علت آن قرآن است که توجه آنان را به خود جلب می کند بطوریکه دست از علایق دیگر خود می شستند و به او می پیوستند پیامبران سلف با معجزات مردم را به حق دعوت می کردند ولی معجزه خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدا... (ص) همان کتاب وحی و نبوت است (ابن الدین، ۱۳۲۹، ۱۷۸).

۱۸- وصیت امام راحل و عظیم الشان

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ما ترک پیامبر اسلام صلی... علیه و آله و سلم. مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را، که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی... علیه و آله و سلم دریافت کرده بودند و ندای انی تارک فیکم الثقلین در گوششان بود با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تعیین شده آنان را عقب زده و با قرآن، حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست از صحنه خارج کردند (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۲۱۸).

شکر خدا با پیروزی انقلاب اسلامی قرآن شریف بار دیگر در صحنه های علمی و عملی در سطح ملل اسلام و جهان بشریت بطور چشمگیر مطرح شده است.

۱۹- خاتمه

هنوا با امام سجاد (ع)

اللهم انك اعنتني على ختم كتابك الذي انزلته وفضلته على كل حديث قصصته.

خداوندا تو مرا بر ختم قرآن که به عنوان نور نازل کردی یاری فرمودی کتابی که آن را بر همه کتاب های دیگری که فرو فرستاده ای سیطره بخشیدی و بر هر سخن دیگری که حکایت نموده ای برتری دادی ...

... خدا یا پس اینک که ما را یاری نمودی تا آن را تلاوت کنیم و

عبارات نیکوی آن را به زبان ما روان ساختی ما را از آنان قرارده که حق رعایت قرآن را به جای می آورند و با اعتقاد و تسلیم نسبت به آیات محکم آن متدین به دین تو هستند و نسبت به متشابهات و آیات روشن آن اقرار دارند ... بار خدایا به خاطر اینکه پیامبر (ص) رسالت تو را ابلاغ فرموده و آیات تو را به مردم رسانید و بندگان را موعظه نمود و در راه تو جهاد نمود او را به بهتر از جزایی که به احدی از فرشتگان مقربت و به پیامبران مرسلین برگزیده ات داده ای پاداش عطا فرما و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر عترت طیبین و طاهرین او (دعای ۴۴ صحیفه سجادیه).

نتیجه گیری

کشتزار و کوه و درخت و زمین و آسمان و ستارگان همه و همه با آدمی سخن می گویند.

کوه و دریا و درختان همه در تسبیحند

نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

جلوه گاه رخ او دیده من تنها نیست

ماه و خورشید همین آینه می گردانند

تعابیر قرآن در هدایت انسان همه جا زنده و سرشار از حیات و دلکش و نغز است. حالات معنوی و معانی ذهنی و سرگذشت انبیاء و عواقب ملت ها و تمدن ها خلقت عالم و آدم، دنیا و آخرت، معاد و قیامت، تکوین و تشریح در یک محیط جاندار و گویا در نهایت تحرک انتخاب و با سنجش تمام به تصویر کشیده و به معرض دید مخاطب گذاشته شده است. همه مناظر روزمره از دیدگاه کتاب خدا عبرت انگیز و زنده و جاندارند. گویی نبات و حیوان و پرنده و

فهرست منابع:

قرآن مجید.

امام علی (ع) (۱۳۹۵ ه.ق)، نهج البلاغه، صبحی صالح، هجرت، قم.

امام سجاد (ع) (۱۳۸۰)، صحیفه سجادیه، غروی، الهادی، قم.

ابن اثیر (۱۳۷۹)، مطبوعه الثائر، قاهره.

ابن ابی الاصبغ (بی تا)، المثل المسائر، بدایع القرآن، مصر.

حکمی، نسرین (۱۳۶۴)، قرآن پدیده ای شگفت آور، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

جرجانی، سید شریف (بی تا)، ترجمان القرآن، دکتر سید محمد دبیرسیاتی، بنیاد قرآن، تهران.

خمینی، امام روح... (۱۳۷۵)، قرآن کتاب هدایت، دفتر نشر آثار، قم.

دراز (۱۳۸۹)، النبأ العظیم، مطبعة السعادة، مصر.

رافعی، مصطفی (۱۳۳۹)، اعجاز قرآن و بلاغت محمد (ص)، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، عطایی، تهران.

سید قطب (۱۳۷۶)، آفرینش هنری در قرآن، ترجمه دکتر فولادوند، بنیاد قرآن، تهران.

سیدی، سیدحسین (۱۳۸۵)، قرآن ادب و هنر (مجموعه مقالات)، دانشگاه اصفهان.

سیوطی (بی تا)، الاتقان، مکتبه الهلال، بیروت.

شرف الدین (بی تا)، المراجعات، اعلمی، بیروت.

طباطبائی (۱۴۱۲)، تفسیر المیزان، اسماعیلیان، قم.

طریحی، فخرالدین محمد (بی تا)، مجمع البحرين، مرتضویه، تهران.

فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴)، نظم قرآن، جهاد دانشگاهی، تهران.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۲ ه.ق)، کافی، اسلامی، تهران.

مالک بن نبی (بی تا)، الظاهره القرآنیه، ترجمه عبدالصبور شاهین، دارالفکر، لبنان.

مجلسی، محمد تقی (۱۳۹۲)، بحار الانوار، مکتبه الاسلامیه، تهران.

مصطفی محمود (بی تا)، محاوله لفهم العصری للقرآن، دارالمعارف، مصر.

معرفت، محمد هادی (۱۳۷۸)، علوم قرآنی، التهمید، قم.

میرمحمدی، سید ابوالفضل (۱۳۷۵)، تاریخ و علوم قرآن، انتشارات اسلامی، قم.

یاسوف، احمد (۱۹۹۴)، جمالیات المفرده القرآنیه، دارالمکتبی، دمشق.